

Dimensions of Corporate Governance In The Islamic Paradigm¹

Younes abbasi², Babak jamshidi navid³, Mehrdad Ghanbari⁴

Received : 2021/04/26

Approved: 2021/08/11

Research Paper

Abstract

The purpose of this study is to investigate and determine the dimensions and components required to develop a corporate governance model consistent with Islamic principles and standards. To do this, all available and related sources related to corporate governance up to 1399 (2021) have been studied. To analyze the sources, the Meta-Synthesis and the seven-step method of Sandlowski and Barroso using dimensions and components coding have been applied. After systematic review of texts and selection of sources using CAPA index, in consideration of international models of corporate governance and their compliance with Islamic principles and norms, dimensions of corporate governance have been identified in the Islamic paradigm and the components of corporate governance have been introduced from the perspective of Islamic principles. Therefore, the research results show the effectiveness of moral principles, social commitment, responsiveness, transparency, decision-making and Islamic supervision dimensions which guarantee optimal and desirable corporate governance goals.

Keyword: Dimensions of corporate governance - Islamic paradigm - Islamic corporate governance - Meta-Synthesis

JEL Classification: G34, G38, C54

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.35884.2851

2. Department of Accounting, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University of Kermanshah, Iran

3. Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

4. Department of Accounting, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

<https://jera.alzahra.ac.ir>

بررسی ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی^۱

یونس عباسی^۲، بابک جمشیدی نوید^۳، مهرداد قنبری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی و تعیین ابعاد و مولفه‌های مورد نیاز در جهت تدوین الگوی حاکمیت شرکتی است که منطبق بر اصول و موازین اسلامی باشد. به این منظور، کلیه منابع موجود و مرتبط به مبحث حاکمیت شرکتی تا سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۱) مورد مطالعه قرار گرفته و برای بررسی منابع از تکنیک فراترکیب به روش هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو با استفاده از کدگذاری ابعاد و مؤلفه‌ها استفاده شده است. بنابراین پس از بررسی نظام‌مند متون و انتخاب منابع مرتبط با استفاده از شاخص کاپا^۵، در نظر قرار دادن الگوهای بین‌المللی حاکمیت شرکتی و مطابقت آن‌ها با اصول و موازین اسلامی، ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی شناسایی و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی از منظر اصول اسلامی معرفی گردیده است. بنابراین نتایج پژوهش نشان‌دهنده اثرگذاری ابعاد اصول اخلاقی، تعهد اجتماعی، پاسخگویی، شفافیت، تصمیم‌گیری و نظارت اسلامی است که در صورت رعایت، اهداف حاکمیت شرکتی بهینه و مطلوب را تضمین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ابعاد حاکمیت شرکتی، پارادایم اسلامی، حاکمیت شرکتی اسلامی، فراترکیب

طبقه بندی موضوعی: G34, G38, C54

DOI: 10.22051/JERA.2021.35884.2851

۱. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، (younesabasi@pnu.ac.ir).
۲. استادیار گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، (نویسنده مسئول)، (jamshidinavid@gmail.com).
۳. استادیار گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، (mehrdadghanbary@yahoo.com).

5. Interclass correlation Kappa
<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

حاکمیت شرکتی تقریباً توسط همه جوامع تجاری و شرکت‌ها به عنوان عامل اصلی بهبود عملکرد مالی شرکت تأیید شده است (محمد و همکاران، ۲۰۲۱). و در حال حاضر در کشورهای مختلف همانند ایالات متحده و اروپا و نیز کشورهای آسیایی مورد مطالعه قرار گرفته که عمدتاً بر رابطه بین ساختار مالکیت، ترکیب هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت متمرکز هستند (مانونا و میشار^۱، ۲۰۲۱-تامپسون و آداسی مانو^۲، ۲۰۲۱). رسوایی‌های شرکت‌ها در سراسر جهان و بحران آسیای شرقی همراه با عملکرد ضعیف بسیاری از شرکت‌ها در آفریقا منجر به افزایش تمرکز بر حاکمیت شرکتی (اوزیل^۳، ۲۰۲۱) و تأکید بیشتر بر ضرورت ارتقاء و اصلاح سیستم حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی شده است (حساس یگانه، ۱۳۹۵). رسوایی شرکت‌هایی مانند انرون^۴ و ورلد کام^۵ در اوج شکوفایی اقتصادی، باعث سلب اعتماد سهامداران سراسر جهان نسبت به حاکمیت شرکتی، خصوصاً با مدل آنگلو ساکسونی گردید تا جایی که ادواردز^۶ (۲۰۰۳) با تردید به اصلاحات قوانین حاکمیت شرکتی نگریسته و آنرا ناکارآمد تلقی کرده است.

اهمیت حاکم بر موضوع از آنجاست که می‌توان گفت حاکمیت شرکتی در هر کشوری تابعی از متغیرهای مخصوص آن جامعه است؛ موسسه «استاندارد اند پورز^۷» در گزارشی به روشنی بیان کرده که هیچ‌الگویی از حاکمیت شرکتی وجود ندارد که بتوان برای همه‌ی کشورها به طور یکسان به کار برد. با این وجود و با توجه به وضعیت اقتصادی و پیشرفت‌های مالی در برخی کشورها در دنیا دو الگو پیاده‌سازی شده، که به نوعی سرطیف نظام‌های حاکمیت شرکتی موجود محسوب می‌شوند (حساس یگانه، ۱۳۸۴). که عبارتند از:

الف: الگوی انگلو ساکسون (که در کشورهایی همچون ایالات متحده آمریکا، انگلستان و استرالیا بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد) و
ب: الگوی اروپایی (یا قاره‌ای که با نام کشورهای هم‌چون آلمان و ژاپن هم‌گن شده و با اکثریت معیارهای آنها شباهت دارد).

1. Manogna R.L. and Aswini Kumar Mishra
2. Thompson and Adasi Manu
3. Ozil
4. Enron
5. WorldCom
6. Edwards
7. Standard and Poor's

نظام راهبری هر کشوری تابعی از متغیرهای درونی و بیرونی است. عناصر درونی مشتمل بر ساختار مالکیت، وضعیت اقتصادی، نظام قانونی (مقرراتی)، سیاست‌های دولت و فرهنگ جامعه است. عناصر بیرونی به تعامل اقتصادی با سایر کشورها مثل جریان ورود و خروج سرمایه و شرایط اقتصاد جهانی مربوط می‌شود. در سطح شرکتی، ساختارهای مالکیت و چهارچوب‌های قانونی از مهمترین عوامل مؤثر بر راهبری شرکتی هستند (بدری، ۱۳۸۷). طبق پژوهش‌های صورت گرفته در بورس اوراق بهادار تهران، ساختار نظام راهبری شرکتی در ایران وابسته به کنترل و نظارت دولت بوده (درویش و همکاران، ۱۳۹۹) و مهمترین دغدغه آن چگونگی حمایت از سهامداران اقلیت در مقابل زیاده خواهی سهامداران اکثریت است (نجفی سیاهرودی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه ایران کشوری اسلامی با حاکمیت اصول و موازین اسلامی بر قوانین و مقررات است لازم می‌نماید که پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی با بهره‌گیری از روح اسلامی باشد که راهنمایی‌های بی‌ظنیری را ارائه می‌کند. ابوتپانجه در خصوص حاکمیت شرکتی و اصول آن از دیدگاه اسلام معتقد است که: مشابه سایر تمدن‌ها و آیین‌های دیگر، تمدن اسلامی نیز از نخستین روزها با یک حاکمیت شرکتی خوب و مناسب حرکت کرده است (ابوتپانجه، ۲۰۰۸). بنابراین اسلام همیشه تجارت و بازرگانی را تا جایی تشویق کرده که در چارچوب قرآن مقدس و گفتارها و وحی خداوند بر پیامبرش محمد (ص) است (لویس^۲، ۲۰۰۵).

منصور و باتی^۳ (۲۰۱۸) دریافتند که شدت رقابت، شکست‌های مشاهده شده در صنعت مالی اسلامی، چالش‌های بی‌سابقه، ملاحظات اخلاقی ضروری، به عنوان یک رویکرد جدید است که موجب افزایش میزان رشد و ترقی صنعت مالی اسلامی پایدار می‌شود و بقای خود را در دنیای مالی جهان استمرار می‌بخشد.

بنابراین با وجود علاقه وافر به عنوان‌های حاکمیت شرکتی که اخیراً توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک توسعه اسلامی صورت پذیرفته است، بیان و روش واحدی در کشورهای اسلامی وجود ندارد تا معنی دقیق حاکمیت شرکتی را تبیین و تفسیر کند. بروز دیدگاه‌های متفاوت و مختلف در این زمینه، تعاریف متعددی را عرضه نموده که با وجود این، به نظر می‌رسد حاکمیت شرکتی در قوانین اسلامی رهنمودهای وسیع‌تری را ارائه می‌دهد و وظایف و شیوه‌های

1. Abu-Tapanjeh
2. Lewis
3. Mansour and Bathi

موجود را در مورد روش‌های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان، بدون هرگونه تعریفی از حاکمیت شرکتی دنیای مدرن، در بر می‌گیرد (مظلوم و مخمل باف، ۱۳۹۶). در ایران و فضای اقتصادی منشعب از اصول تجارت اسلامی، حاکمیت شرکتی یک مفهوم کاملاً برگرفته از اصول و الگوهای غربی تصور می‌شود که علی‌رغم قدرت و پشتوانه علمی قوانین اسلامی در تجارت، "خصوصاً در مباحث مرتبط با اخلاق کسب و کار و رعایت اصل عدالت" مورد بی‌مهری تمام قرار گرفته و علی‌رغم نیاز فراوان، هنوز موضوع حاکمیت شرکتی از جامعه دانشگاهی و فضای پژوهش و پژوهش به درستی خارج نشده و الگویی مطابق با معیارهای اسلامی برای آن تدوین نگردید است. نمازی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود اظهار داشتند که با توجه به پیشینه پژوهش‌های انجام شده در خصوص راهبری شرکتی در ایران به نظر می‌رسد معیارهای راهبری شرکتی، برخلاف انتظارات نمی‌تواند مشکلات نمایندگی را در ایران کاهش دهند. یکی از علل آن است که این آیین‌نامه بیشتر ترجمه‌ای از متون و برگرفته‌ای از مفاد آیین‌نامه‌های کشورهای دیگر بدون لحاظ نمودن بسترها و شرایط مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران است.

نکته‌ای که باید در زمینه اسلامی نمودن بحث حاکمیت شرکتی مورد توجه قرار گیرد این است که نباید تجربیات و یافته‌های غربی و سایر الگوهای پیاده شده بین‌المللی را نادیده گرفت و خود را در حصار پنهان کرد که برخلاف فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که می‌فرماید: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَكُلُّهُ بِالصَّيْنِ»، بلکه مقصود آن است که با همان مبانی خاص نظریه پردازی کنیم. چه بسا ممکن است در پاره‌ای از مسائل وحدت نظر داشته باشیم در برخی دیگر از هم جدا باشیم همان‌طور که در بحث حاکمیت شرکتی و اصول و قواعد آن در بخش اقتصادی الگوهای بین‌المللی همانند الگوی OECD، الگوی آلمانی، الگوی ژاپنی و حتی الگوی آنگلو ساکسونی به خوبی حرکت کرده و الزامات مناسبی را پیش روی شرکت‌ها قرار داده‌اند اما در مباحث عقیدتی و اخلاقی (معنوی) با دید تردید بسیار ضعیف عمل کرده و از طرفی با اصول اسلامی که امور مالی و اقتصاد و مدیریت وسیله‌ای در جهت قرب الهی است کاملاً تمایز دارند در جایی که می‌فرماید: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قصص، ۷۳). بطور کلی بر اساس موارد پیش گفته ضرورت نگرشی جامع و

۱. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (Organisation for Economic Cooperation and Development)

نظام‌مند به موضوع بسیار دارای اهمیت است اما تاکنون پژوهشی جامع که به مقایسه کلی الگوهای بین‌المللی پرداخته و آنرا با اصول و موازین اسلامی مطابقت نموده و ابعاد اسلامی حاکمیت شرکتی را با ابعاد الگوهای بین‌المللی تلفیق کرده و الگوی واحدی را ترسیم نماید انجام نشده و به پژوهش‌های جزیره‌ای و محدود اکتفا شده است. بنابراین این پژوهش وضعیت فعلی حاکمیت شرکتی در ایران و الگوهای بین‌المللی را با استفاده از روش نوین فراترکیب مورد بررسی قرار می‌دهد و با ارائه مدلی تلفیقی و جامع، از الگوهای بین‌المللی موجود و شاخص‌ها و ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی به منظور کاربرد در اقتصاد و شرکت‌های تجاری کشورهای اسلامی از جمله ایران، در جهت کاهش هزینه‌های تئوری نمایندگی و هم راستایی منافع مدیران و ذینفعان می‌پردازد.

مبانی نظری پژوهش

حاکمیت شرکتی

شرکت‌هایی که از راهبری شرکتی نامطلوبی برخوردارند، در مقایسه با شرکت‌های برخوردار از راهبری شرکتی مطلوب، واکنش شدیدتری در برابر شوک‌های بزرگ اقتصادی نشان می‌دهند (سرلک و همکاران، ۱۳۹۹). و به صورت کلی، یکی از اهداف حاکمیت شرکتی کاهش تعارض منافع بین ذینفعان شرکت است (خزایی و همکاران، ۱۴۰۰). در حال حاضر تعاریف متعدد و متنوعی در زمینه حاکمیت شرکتی در دست است که از نظر معیارها و شاخص‌های تنوریک برخی مشابهت‌ها و تضادها دیده می‌شود بعنوان مثال می‌توان اشاره کرد به تعریف^۱ IICSR (۲۰۱۷): رویه‌های حاکمیت شرکتی تلاشی است برای تعادل بین تضاد منافع مدیران و مالکین و ایجاد مکانیزم کنترلی برای افزایش ارزش سهامداران و رضایت ذینفعان. از منظر فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۲ (۲۰۰۴)، اصول حاکمیت شرکتی موجب دستیابی شرکت به اهداف تعیین شده، کنترل ریسک و مصرف بهینه منابع می‌گردد. در جایی که کادبری (۱۹۹۲) حاکمیت شرکتی را به عنوان سیستمی تعریف نموده که موجب هدایت و کنترل شرکت‌ها می‌گردد و بر شفافیت، درستکاری و پاسخگویی مدیران ارشد تمرکز کرده است. تعاریف ارائه شده برای حاکمیت شرکتی متنوع است. عمده‌ترین عامل متمایز کننده این تعاریف را می‌توان

۱. موسسه بین‌المللی مسئولیت و پایداری شرکتی (International Institute of Corporate Sustainability and Responsibility)

2. IFAC

پهنه یا گستره شمول راهبری شرکتی دانست. از یک منظر می‌توان این نظام را رابطه "مدیران" با "سهامداران" دانست که مبنای نظری آن "تئوری نمایندگی" در شکل محدود خود است.

مکانیزم و الگوهای حاکمیت شرکتی

در سراسر جهان افراد زیادی سعی در ارائه مدلی ثابت و استاندارد با مکانیزم‌های مشخص برای حاکمیت شرکتی داشته‌اند و مدل‌های جامعی نیز ارائه شده است اما، سیستم حاکمیت شرکتی مانند سایر مسائل اجتماعی ماهیت پویا و متحرک دارد، اگر شرکتی بخواهد به موفقیت برسد، یکی از ابزارهای ضروری، اصلاح سیستم حاکمیت شرکتی است (مشایخی و جلالی، ۱۳۹۱).

مدل انگلوساکسون

مدل انگلوساکسون^۱، انگلوامریکن^۲، نظام بازارمحور و یا نظام سهامداران ارزشمند، به عنوان مدل اصلی حاکمیت شرکتی نیز شناخته می‌شود، یکی از مدل‌هایی است که در کشورهایمانند انگلستان و ایالات متحده آمریکا استفاده شده و بیشترین توجه به آن معطوف است. در سنت انگلوساکسون، مفهوم شرکت بر مبنای روابط بین سهامداران و مدیران استوار است. در این مدل هیئت‌مدیره، مدیران اجرایی و سهامداران ذینفعان اصلی محسوب می‌شوند که در قالب اقتصاد بازار آزاد توسعه یافته است و اولویت اصلی حاکمیت شرکتی در نظام انگلوساکسون حمایت از حقوق و منافع سهامداران است و بواسطه بکارگیری در کشورهای دیگر از جمله استرالیا، نیوزلند، کانادا، آفریقای جنوبی و اغلب کشورهای آسیای جنوب شرقی مورد حمایت قرار گرفته است (همت فر و همکاران، ۱۳۹۱).

مدل اروپایی

مدل حاکمیت شرکتی اروپایی، یک سیستم نظارت و کنترل متداول بر شرکت‌ها در اروپا و ژاپن است که در متون به مدل آلمانی و مدل ژاپنی تقسیم بندی شده است. اصل اساسی که سیستم حاکمیت شرکتی اروپایی (قاره‌ای^۳) بر آن استوار شده، در نظریه ذینفعان مجسم شده و این الگو به عنوان الگوی ذینفعان نیز شناخته شده است.

1. Anglo-Saxon
2. Anglo-American
3. Continental

مدل آلمانی بر اساس یک اصل دولایه یک هیات مدیره و یک هیئت نظارت فعالیت می‌کند که سهامداران و کارکنان نیز در هیئت نظارت دارای نماینده هستند و مشتمل بر منافع شرکت‌ها، بانک‌ها و سهامداران در نظام حاکمیت شرکتی است (مصطفائیوک، ۲۰۱۷). اما در مدل ژاپنی انجام ادغام‌های مالی و صنعتی رایج است. در مدل ژاپنی حاکمیت شرکتی، شرکت‌ها دارای یک هیئت مدیره واحد بوده و هیچ عضو هیئت مدیره خارجی ندارند و هیئت مدیره متشکل از نمایندگان شرکت و سهامداران اصلی است و دولت نیز نقش مهمی در مدیریت شرکت‌ها دارد. بنابراین برخلاف مدل آنگلو ساکسون هدایت شرکت توسط افرادی بیرون از شرکت چندان مرسوم نیست (مشایخی و شاکری، ۱۳۹۵).

مفهوم حاکمیت شرکتی در اسلام

حاکمیت دین بر همه شئون زندگی، نه فقط بر دل و جان انسان و نه فقط بر اعمال شخصی انسان بلکه در سرتاسر قلمرو زندگی انسان، این از مسلمات همه ادیان الهی است؛ نه فقط دین مقدس اسلام (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰). «پاول پروسر^۱» نیز عقیده دارد که مذهب بر ادراک فرآیندهای عقلی، تفکر، کنش‌های زبانی، هیجان، رفتار حرکتی، روابط بین شخصی و رابطه فرد با اشیاء، عقاید و خود تأثیر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد. شرع اسلام نه تنها آیین‌های مذهبی را در بر می‌گیرد، بلکه جنبه‌های بسیاری از زندگی روزمره، سیاست، اقتصاد، بانکداری، تجارت و بازرگانی، قانون تجارت و قراردادهای و موضوعات اجتماعی را نیز پوشش می‌دهد (ویکی‌پدیا، ۲۰۰۵).

در زمینه اسلامی کردن علوم باید از هرگونه افراط و تفریط دوری جست و نباید تصور کرد علم اسلامی، یعنی فیزیک و شیمی اسلامی، تافته‌ای جدا بافته از علوم طبیعی رایج است. ایده‌ی اسلامی کردن علوم در نتیجه آشتی دادن علم با دین و رفع غفلت از جایگاه عقل در هندسه معرفت دینی و برطرف کردن بیگانگی و فاصله‌ای که به نادرست میان علم و دین برقرار شده، حاصل می‌آید. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، به ناچار اسلامی و دینی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶). هیچ جامعه‌ای از اقتصاد و یا علم اقتصاد بی‌نیاز نیست. اما دیدگاه اسلام در مورد اقتصاد با دیدگاه غربیان تفاوت فاحشی دارد. در آیین اسلام اقتصاد وسیله است نه هدف و به اصطلاح «ما ینظر به» است و نه «ما ینظرفیه».

1. Paul Pruyser

بنابراین گردآوری ثروت در اقتصاد اسلامی باید از طریق مشروع باشد و درآمدهایی که از طریق اعمال نامشروع به دست می‌آیند فاقد ارزش هستند. در حالی که در اقتصاد غربی محدودیت بسیار کمی در ارتباط با نحوه کسب درآمد تعریف شده است. مسلمانان، کسب و کارشان را منطبق با قوانین شریعت انجام می‌دهند که به معنی انصاف، صادقانه بودن و بیطرفی نسبت به دیگران است. انباشتن ثروت، با رعایت محدودیت‌های اخلاقیات اسلامی، مجاز است (حساس یگانه، ۱۳۹۴).

خداوند در قرآن، از آفرینش انسان به عنوان خلیفه خود یاد کرده (بقره: ۳۰) و آدمی را به خاطر برخورداری از چنین مقامی، به عنوان برترین آفریده معرفی می‌کند (مؤمنون: ۱۴). نامه (۲۶) امام علی علیه السلام در خصوص امانت‌داری انسان و نحوه تعامل با این وظیفه است که می‌فرماید: "کسی که امانت الهی را خوار شمرد و دست به خیانت آلوده کند خود ودین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت هم خوارتر و رسواتر خواهد بود." مدیریت در اسلام به منزله سپردن امانتی بسیار سنگین به مدیر است که باید آنرا حفظ کند و خیانت در آن، خیانت در امانت تلقی شده است. همچنین نظارت بر فعالیت‌های مالی در جهت حلال نیز در اسلام همواره مورد توجه بوده همانند: ربا، قمار، معاملات حرام و ... که در حاکمیت شرکت مرسوم (انگلساکسونی و اروپایی) به آن بی‌توجهی شده است. در تفکر اسلامی غیر از سود و یا زیان بحث فلاح و خسران نیز مطرح است (نجفی، ۱۳۹۰). بحثی که در الگوهای بین‌المللی حاکمیت شرکتی مورد بی‌مهری قرار گرفته و از منظر اقتصاد اسلامی اهمیتی به مراتب بیشتر از کسب سود و یا حداکثر نمودن ثروت سهامداران دارد.

حاکمیت شرکتی در اسلام و غرب، نقش بسیار حیاتی در راستای تأمین اهداف خاص شرکت‌ها ایفا می‌کند. در حقیقت اسلام ارزش‌های آتی را از طریق تأکید بر عنصر شریعت که در مفاهیم غربی یافت نمی‌شود، افزایش می‌دهد. چنین اهدافی، مقاصد شریعت را به عنوان هدف نهایی حاکمیت شرکتی معرفی می‌کند (خدادی و همکاران، ۱۳۹۲). مفهوم حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلامی با تعریف مرسوم آن تفاوت زیادی نداشته و در نمونه اسلامی، ویژگی‌ها و شاخص‌های متمایزی را در مقایسه با سیستم‌های رایج بین‌المللی ارائه می‌کند به نحوی که به موردی خاص از یک نظریه‌ی وسیع‌تر تصمیم‌گیری اشاره دارد که از مفروضات اجتماعی - علمی آموزه‌های اسلامی که بر مبنای وحدانیت خداوند بنا شده، بهره می‌برد (چیدنورماس و همکاران، ۲۰۱۱).

در خصوص خدمات مالی، هدف غایی حاکمیت شرکتی در اسلام نه تنها کسب اطمینان از بی‌طرفی در برابر سهامداران است، بلکه گستره ذینفعان را نیز برای رسیدن به شفافیت و پاسخگویی بیشتر شامل شده و در دیدگاهی وسیع، غالباً تمامی اشخاصی را دربر می‌گیرد که به نحوی با شرکت در ارتباط هستند (خلیفه، ۲۰۰۸). از این رو آنچه در اسلام بیشتر مدنظر قرار دارد موضوع پاسخ‌گویی وسیع در برابر ذینفعان با یک دیدگاه مکتبی است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵). در خصوص ساختار و اساس نظام و مدل حاکمیت شرکتی در مبانی اسلامی پژوهش‌ها بسیار محدود بوده و حتی دیدگاه واحدی در کشورهای اسلامی وجود ندارد تا معنی دقیق حاکمیت شرکتی اسلامی را تبیین کند. بنابراین مشاهده می‌شود که هدف اصلی در شرکت‌های اسلامی ایجاد حداکثرسازی سود سهامداران است و دلالت بر این واقعیت دارد که شرکت‌های اسلامی الگوی آنگلو ساکسون حاکمیت شرکتی را مورد استفاده قرار می‌دهند (لیم، ۲۰۰۷ و حسن، ۲۰۰۹). در حالیکه قوانین اسلامی برای حاکمیت شرکتی رهنمودهای بیشتر و وسیع‌تری را در اختیار قرار می‌دهد و همچنین وظایف و شیوه‌های موجود را در خصوص شیوه‌های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان دربر می‌گیرد.

پیشینه تجربی پژوهش

علی و خان^۱ (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان «حکومت شریعت، راه‌حلی برای مشکل حاکمیت شرکتی»، اظهار می‌کند که حکومت شریعت، مسئولیت‌پذیری را در بین ذینفعان یک سازمان تشویق می‌کند و هیئت شرعی نقش بسیار مهمی در کنترل و نظارت بر معاملات تجاری با هدف انطباق شرعی دارد اگرچه قوانین اسلامی را نمی‌توان در همه کشورها یکسان اجرا کرد. مخلصین و نافیانتي^۲ (۲۰۱۹)، به نقش حسابداری و حاکمیت شرکتی خوب در موسسات مالی اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که موسسات مالی اسلامی یک الگوی متفاوت از موسسات متعارف ارائه می‌دهند. از دیدگاه مدیریت شرکتی، چندین ویژگی جالب توجه را شامل می‌شود زیرا مشارکت سهام عدالت و ترتیب تقسیم سود و زیان، پایه و اساس بودجه اسلامی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، باید تلاش‌هایی هماهنگ برای بازنگری در استانداردهای خوب فعلی حسابداری و حسابداری برای موسسات مالی اسلامی انجام شود.

1. Ali and Khan
2. Mukhlisin and Nofianti

منصور و باتی^۱ (۲۰۱۸)، در پژوهش خود با عنوان «الگوی جدید از حاکمیت شرکتهای اسلامی» معتقد هستند که حاکمیت شرکتهای اسلامی برای بهبود منافع ذینفعان و دستیابی به بهترین شیوههای تجاری صنعت مالی اسلامی و نیز در جهت تأمین نیاز سرمایه‌گذاران و رفاه اجتماعی سرگردان، باید دارای یک الگوی جدید و چندجانبه باشد. و در همین راستا، حسن^۲ (۲۰۰۹)، اظهار می‌کند که الگوی حاکمیت شرکتهای اسلامی دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است و در مقایسه با مفهوم غربی مدل‌های آنگلو ساکسون و اروپایی ویژگی‌های متمایز را ارائه می‌دهد. و اهداف خاص خود را بدون نادیده گرفتن وظیفه رفاه و سعادت اجتماعی حفظ و برقرار می‌کند. طاهری و امینی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «نقش حاکمیت شرکتهای در مدیریت ذینفعان در بانکداری اسلامی»، به این نتیجه رسیدند که حاکمیت شرکتهای همسویی منافع بین مدیران و سهامداران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. مبتنی بر متون اسلامی هدف حاکمیت شرکتهای مبتنی بر رعایت حقوق تمامی ذینفعان و رعایت اصولی توازن بین حقوق برابر سهامداران و سایر ذینفعان مطرح است. صادقی پور و همکاران (۱۳۹۶) عقیده دارند که در اقتصاد شرکت پایه امروزی انجام فرآیند سرمایه‌گذاری و کسب سود با استفاده از سرمایه پاک موجب می‌شود صاحب سرمایه بتواند در سودهای حاصله، تصرف حلال نماید و این به نوبه خود آثار فردی و اجتماعی به همراه خواهد داشت. انجام فرآیند پاک‌سازی سرمایه، با استفاده از ابزارهای نظارتی و هدایتگر راهبری شرکتهای طراحی سازوکار هیئت نظارت شرعی، امکان‌پذیر است. بنابراین برای تدوین یک نظام حاکمیت شرکتهای مطلوب توجه به عوامل داخلی و بیرونی و نیز شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشور ضروری به نظر می‌رسد. از آنجایی که ایران یک کشور اسلامی است، بهتر است که توجه به مؤلفه‌های نظری اسلامی که به وضوح در آیات قرآن قابل مشاهده است؛ در تدوین آیین نامه‌ها و قوانین راهبری مدنظر قرار گیرد.

از دیدگاه قرآن کریم، کلیه موجودات جمله انسان، منابع، و ابزارهای تولید، مخلوق خداوند هستند در جایی که می‌فرماید: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» (صافات، ۹۶). از این رو انسان نمی‌تواند مستقل از خداوند، منشاء اثر باشد چه فعالیت‌های اقتصادی و چه سایر امور دنیوی و اخروی. با توجه به اسلامی بودن و اثرپذیری قوانین مالی و معاملاتی همانند پرهیز از ربا، پرداخت زکات و خمس، پرهیز از انجام معاملات حرام، ثبت عقود بیع اسلامی و ... از اصول بنیادین اسلامی لازم به نظر می‌رسد که مبانی نظری اقتصاد اسلامی در حوزه حاکمیت شرکتهای بصورتی کارآمد و تحت عنوان الگویی جامع در اختیار قانون‌گذاران قرار گرفته تا به مثابه چراغ راهی اثرگذار

1. Mansour and Bhatti

2. Hasan

باشد. هرچند اصول حاکمیت شرکتی موجود در بعد اقتصادی تاحدودی مطلوب بوده اما، در ابعاد اخلاقی، عدالت، مسئولیت اجتماعی و نظارت اسلامی بسیار ناکارآمد عمل کرده و توان ذاتی خود را نیز نتوانسته به اثبات برساند در جایی که از وظایف یک نظام اسلامی تلاش در برقراری اصل عدالت در بین امت است از این جهت این پژوهش به دنبال ارائه الگویی جامع از حاکمیت شرکتی منطبق بر اصول حاکمیت اسلامی است.

سوالات پژوهش

در این مرحله پژوهشگر با مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام گرفته سوالات اولیه ای مطرح نموده است:

۱. حاکمیت اسلامی در پارادایم اسلامی کدام است؟
۲. ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی کدام است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از روش کیفی و نوعی از فرامطالعه به نام فراترکیب استفاده کرده است. استفاده از روش فراترکیب در شناسایی ابعاد حاکمیت شرکتی با محوریت اسلامی به این صورت است که با استفاده از روش بررسی ادبیات کتب و مجلات یا مقالاتی با محوریت حاکمیت شرکتی اسلامی و مباحث پژوهش‌های پیرامون آن را به منظور دستیابی به یافته‌های جدید یکپارچه‌سازی نموده است. بنابراین از آنجایی که اغلب مطالعات حوزه حاکمیت شرکتی از نوع کیفی هستند، استفاده از روش نوین فراترکیب، روشی مناسب برای دسترسی به ترکیبی جامع از مطالعات است.

فراترکیب، یکپارچه‌سازی تفسیر یافته‌های اصلی مطالعات منتخب به منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری است که حاکی از فهم عمیق پژوهشگر در این باب است (عرب و همکاران، ۱۳۹۳). یعنی به جای ارائه خلاصه جامعی از یافته‌ها، یک ترکیب تفسیری از یافته‌ها را ایجاد می‌کند و با فراهم کردن نگرشی نظام‌مند برای پژوهشگران از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف، به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید پرداخته و با این روش یک دید جامع و جدید نسبت به مسائل به وجود می‌آورد. از این رو پژوهشگر به منظور تحقق هدف مقاله پژوهش‌های گذشته در حوزه حاکمیت شرکتی و حاکمیت شرکتی اسلامی در ایران و جهان را مورد کنکاش

قرار داده است و برای بهره‌گیری از روش فراترکیب، از روش هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) بهره گرفته شده است که خلاصه مراحل در نمودار (۱) نشان داده شده است.



نمودار (۱): مراحل پژوهش در روش ساندلوسکی و باروسو

گام اول تنظیم سوال پژوهش است. به این منظور از پارامترهای گوناگونی مانند: جامعه مورد پژوهش، چه چیزی، چه موقع و چگونگی روش استفاده می‌گردد. در این پژوهش، سؤالات زیر مورد کنکاش قرار گرفت:

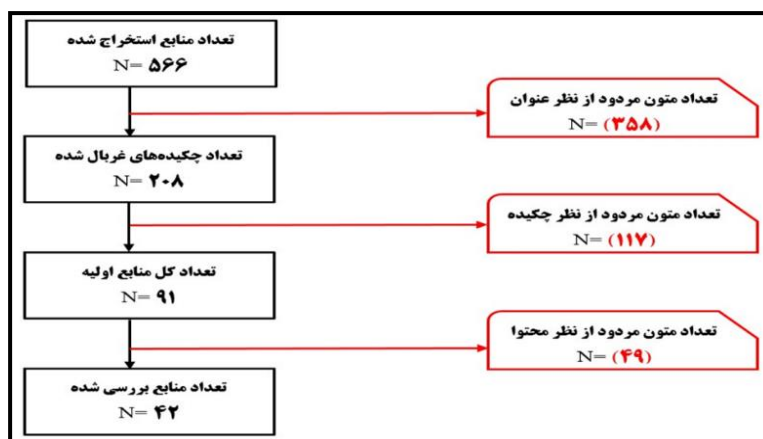
۱. چه چیزی: پاسخ به این سوال بایستی در جواب سوال چه چیزی را می‌خواهید بررسی کنید؟ ارائه شود که در این پژوهش پاسخ؛ شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی است.
۲. چه کسی: این سوال جامعه مورد مطالعه را مورد هدف قرار داده و پایگاه‌های اسنادی معتبر، مجلات علمی-پژوهشی، کنفرانس‌های علمی و موتورهای جستجو را مورد بررسی قرار داده است و در واقع جامعه آماری پژوهش کلیه منابع موجود بوده است.
۳. چگونگی: این سوال اشاره به روشی است که برای حصول نتیجه مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش روش تحلیل اسنادی (فراترکیب) استفاده شده، که در

این روش نوین، پژوهشگر با مطالعه دقیق و نظام‌مند و مرور چند باره منابع مورد نظر به نتیجه لازم و کفایت نظری می‌رسد. بنابراین سوال پژوهش بر اساس موارد مذکور به شرح زیر تدوین شده است. «*ایجاد و مولفه‌های حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی کدام است؟*»

در **گام دوم** پژوهشگر به جستجوی سیستماتیک مقالات منتشر شده در منابع با هدف تعیین اسناد معتبر، موثق و مرتبط می‌پردازد. با توجه به کلمات کلیدی همچون: «حاکمیت شرکتی، راهبری شرکتی، حاکمیت شرکتی اسلامی، رویکرد اسلامی در شرکت‌ها، حاکمیت شرکت‌ها در اسلام و...»، «Shari'ah board, Accountability in the Quran, Islamic Corporate Governance, Principles of Shari'ah, Definitions of corporate governance, corporate governance structure» پژوهشگر اقدام به جستجو در منابع و پایگاه‌های داده زیر نموده است:

- ELSEVIER , EMERALD , IEEE , SCIENCEDIRECT,AAA
- نورمگز، سیویلیکا، ایران داک، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پرتال جامع علوم انسانی

تعداد ۵۶۶ منبع استحصال شد که در مراحل بعد پژوهشگر به بررسی آن‌ها پرداخته است. **گام سوم** به بررسی و جستجو در منابع و نهایتاً گزینش منابع مناسب و رد منابع نامربوط می‌پردازد که در این جا پژوهشگر موظف به بررسی چندین باره متون و غربال‌گری آن‌هاست که به شرح شکل (۱) انجام پذیرفته است.



شکل (۱): فرآیند انتخاب منابع

منابع باقی مانده از نظر محتوا مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت تا کیفیت روش شناختی منابع را مورد ارزیابی قرار دهد. از این رو پس از مطالعه هر کدام از منابع بر اساس معیار^۱ CASP (برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی) امتیازی به منابع مورد نظر تعلق خواهد گرفت. با استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی ۱۰ شرط کیفی، هر مقاله به لحاظ کیفی مورد ارزیابی قرار گرفته و به ازای هر سوال امتیازی بین عدد ۱ تا ۵ به سوال مربوطه تعلق می‌گیرد. مقالاتی که مجموع امتیازات مکتسبه آنها از مجموع ۱۰ سوال، ۳۱ و بالاتر شود به لحاظ کیفی تأیید و باقی مقالات حذف خواهند شد در این پژوهش امتیازدهی به شکل پنج طبقه و امتیازی بین «۰» تا «۵۰» را بر مبنای مقیاس «روبریک^۲» به آن متن نسبت می‌دهد بنابراین منابع منتخب جهت امتیازدهی بر اساس مقیاس روبریک در اختیار تعداد ۲۵ نفر از خبرگان قرار داده شده که پاسخگویان شامل ۵ نفر از اساتید دانشگاه، ۳ نفر از اعضای هیات مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۲ نفر از رؤسای بانک‌های خصوصی و ۲ نفر از حسابرسان مستقل بوده که امتیازهای صادره خبرگان به منابع نهایی پژوهش به شرح نگاره (۱) آورده شده است.

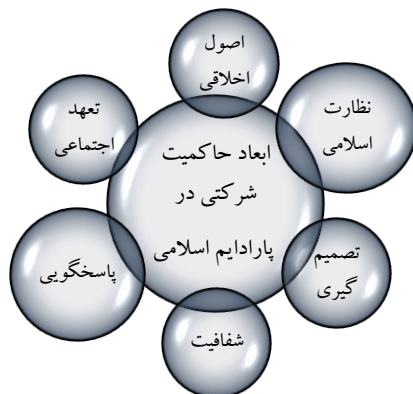
جدول (۱): مقیاس روبریک در انتخاب منابع

(۱۰-۰)	(۲۰-۱۱)	(۳۰-۲۱)	(۴۰-۳۱)	(۵۰-۴۱)
ضعیف	متوسط	خوب	خیلی خوب	عالی
P	F	G	WG	E
۰	۰	۶	۱۴	۲۲
-	-	نتیجه: رد	نتیجه: قبول	نتیجه: قبول

از مجموع ۴۲ منبع انتخاب شده، بنابر نظر خبرگان ۲۲ منبع با درجه عالی و ۱۴ منبع با درجه خیلی خوب جمعاً به تعداد ۳۶ مقاله مورد پذیرش قرار گرفته و تعداد ۶ منبع نیز که حائز امتیازات لازم نشده بود با درجه خوب مورد پذیرش قرار نگرفته است.

گام چهارم به استخراج اطلاعات از منابع تعلق دارد. در گام چهارم فراترکیب، منابع مختلف مورد پذیرش لاتین، ترجمه و به همراه منابع فارسی به منظور دستیابی به محتوای درونی مطالعات چندین مرتبه مرور شده و دسته‌بندی می‌شوند. در این گام پژوهشگر یافته‌های حاصل از مرور منابع را به این صورت دسته‌بندی نموده است: «نام و نام خانوادگی نویسنده منبع، سال انتشار، مؤلفه‌های مستخرج از منابع».

1. Critical Appraisal Skills Program
2. Rubric



شکل (۲). ابعاد اولیه حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی

گام پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها

هدف روش فراترکیب ایجاد یک تفسیر یکسان و جدید از یافته‌های حاصل از مرور منابع است که برای شفافیت مفاهیم و نتایج در غربالگری حالات موجود و بروز مدل‌های عملیاتی و تئوری‌ها پذیرفته شده است (عرب و همکاران، ۱۳۹۳). در این گام، پژوهشگر موضوعات و مضامین مشخص شده را در طبقه‌بندی مشخصی قرار می‌دهد که آن‌ها را به بهترین نحو ممکن توصیف می‌نماید (ساندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷). در این پژوهش، ابتدا کلیه مؤلفه‌های مستخرج از منابع توسط پژوهشگر کدبندی شده و سپس با توجه به مفاهیم متبادر شده از هر کدام، آن‌ها را در دسته‌بندی مشابهی جاگذاری می‌نماید که نتیجه آن شکل‌گیری مؤلفه‌های اصلی پژوهش است. بنابراین پس از بررسی منابع که به تأیید خبرگان نیز رسیده، ۱۳۹ عامل استخراج گردیده و با استفاده از نرم‌افزار اکسل دسته‌بندی شده و موارد تکراری حذف و برخی از موارد مشابه نیز با نامی مشترک که هر دو مفهوم را پشتیبانی کند نام‌گذاری گردید و در پایان تعداد ۳۳ مؤلفه جهت ادامه کار تأیید شدند. سپس کدهای مستخرج در قالب مضامین اصلی ۶ گانه همانگونه که در شکل (۲) نمایش داده شده، قرار گرفتند.

گام ششم: کنترل کیفیت و تحکیم آن

سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷)، در پژوهش کیفی به روش فراترکیب رویه‌های متعددی را جهت حفظ کیفیت و تحکیم آن ارائه نموده‌اند که در پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است. در سیر مراحل پژوهش، توضیح روشنی برای گام‌های متخذه ارائه شده و پژوهشگر از روش‌های

دستی و الکترونیک جهت یافتن منابع مربوط استفاده نموده و همچنین در ارزیابی منابع از ابزار CASP (جدول ۲) و مقیاس روبریک استفاده شده است.

جدول ۲: امتیازات کسب شده منابع از ابزار CASP

ردیف	امتیاز	مقاله	ردیف	امتیاز	مقاله
قبول	۴۷	Hasan,2009	قبول	۴۸	Mostepaniuk,2017
قبول	۴۲	Lewis,2005	قبول	۴۹	Mansour&Bhatti,2018
قبول	۴۶	Waty&Wardayati,2015	قبول	۴۵	Abu-Tapanjeh,2007
قبول	۴۴	Mansor et al,2020	قبول	۴۴	IQBAL&MIRAKHOR,2004
قبول	۳۹	بت شکن و رهبری خزایی، ۱۳۸۸	قبول	۴۵	Saif Alnasser & Muhammed,2017
قبول	۳۷	اعرابی و دیگران، ۱۳۹۰	قبول	۴۳	قلی پور و ناصری، ۱۳۹۵
قبول	۴۱	حساس یگانه و هاشمی، ۱۳۸۷	قبول	۳۴	کاظمیان، ۲۰۰۶
قبول	۴۰	جمکرانی و دیگران، ۱۳۹۴	قبول	۴۲	مهدوی پارسا، ۱۳۹۷
قبول	۳۶	یحیی پور، ۱۳۹۴	قبول	۳۸	همت فر و دیگران، ۱۳۹۱
قبول	۴۱	تقی پوریان و خلیل پور، ۱۳۸۸	قبول	۴۶	صادقی پور و دیگران، ۱۳۹۶
قبول	۳۴	جمشیدی نوید و ایزدی، ۱۳۹۰	قبول	۴۲	رستمی و دیگران، ۱۳۹۵
قبول	۴۱	تقی پور و دیگران، ۱۳۹۷	قبول	۴۱	صراف و محمدی، ۱۳۹۵
قبول	۳۷	رحمانی و قشقایی، ۱۳۹۵	قبول	۴۶	رحمان سرشت و هرنندی، ۱۳۹۶
قبول	۳۷	لاری دشت بیاض و همکاران، ۱۳۹۶	قبول	۴۱	قاسمی علی آبادی و نصیری اقدم، ۱۳۹۷
قبول	۳۵	نمازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵	قبول	۴۵	حساس یگانه و سلیمی، ۱۳۹۰
رد	۲۹	Pirson & Turnbull, 2011	قبول	۳۸	احمدی و عالم زاده، ۱۳۹۷
رد	۲۸	طاهری و امینی، ۱۳۹۹	قبول	۴۱	محرابی، ۱۳۹۸
رد	۲۷	باقری، ۱۳۹۵	قبول	۳۵	کاشانی پور و رسانیان، ۱۳۸۷
رد	۲۸	حمیدیان و دیگران، ۱۳۹۵	قبول	۳۹	بهارمقدم و همکاران، ۱۳۹۲
رد	۲۷	مظلوم و مخمل باف، ۱۳۹۶	قبول	۳۸	حاجیها و شاکری، ۱۳۹۸
رد	۲۴	G. Sloan,2001	قبول	۳۳	کردلویی و همکاران، ۱۳۹۱

همچنین برای حفظ کیفیت مطالعات از شاخص (kappa) بهره گرفته شده است. به این صورت که پس از گذشت مدت زمانی، پژوهشگر تعدادی از مصاحبه ها را مجدداً کد گذاری نموده است. جدول مورد توافق آماره کاپا به شرح جدول شماره (۳) است.

جدول (۳): آماره مورد توافق در محاسبه ضریب کاپا

جمع	خیر	بله	
M1	b	a	بله
M0	d	c	خیر
N	N1	N0	جمع

پارامترهای a و d نمایش دهنده همسانی کدگذاری و پارامترهای b و c عدم توافق و ناهمسانی دو کدگذاری را نمایش می‌دهد. بنابراین مطابق ضریب کاپا موجود^۱، حداقل ضریب کاپا قابل قبول ۶٪ است و مقادیر بالاتر از ۸٪ در دو کدگذاری و ارزشیابی بسیار مطلوب توصیف می‌شود. مطابق محاسبات ضریب کاپا در پژوهش پیش رو برابر با ۷۴٪ حاصل شده است.

گام هفتم: ارائه یافته‌ها

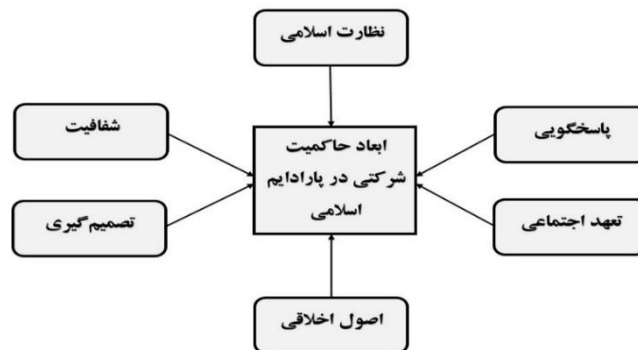
در گام هفتم و نهایی روش فراترکیب، پژوهشگر به ارائه یافته‌های حاصل از مراحل قبل می‌پردازد. ۴۲ منبع منتخب توسط پژوهشگران به دقت و مکرر بررسی شده و اطلاعات مورد نیاز بر مبنای هدف پژوهش شناسایی، تلخیص، همسان‌سازی و دسته‌بندی گردید و در شکل (۳) به صورت مدل مفهومی به نمایش گذاشته شده و اطلاعات حاصله از منابع تشکیل کدها در نگاره (۲) قرار گرفته است.

نگاره (۴). ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی

ابعاد اصلی	ابعاد فرعی
۱- اصول اخلاقی شرکت‌ها در مدل حاکمیت شرکتی اسلامی	G11- امانت‌داری (امانت‌داری در معاملات) G12- صداقت (راستگویی - عدم تبانی - عدم تقلب - وفای به عهد) G13- عدالت (بی‌طرفی - اعتدال - عدالت در تسهیم ریسک و بازده - عدالت در روابط متقابل - رفتار افقی) G14- انصاف (رعایت صرفه‌ذینفعان - اخلاق فراگیر)
۲- تعهد اجتماعی	G21- مسئولیت اجتماعی G22- عدم تضییع حقوق کلیه ذینفعان G23- اعتماد اجتماعی
۳- پاسخگویی اسلامی	G31- پاسخگویی در برابر خداوند G32- پاسخگویی در برابر کلیه ذینفعان G33- دیدگاه مکتبی در پاسخگویی
۴- شفافیت	G41- شفافیت در گزارش‌های مالی G42- شفافیت در گزارش‌های مدیریت G43- شفافیت در گزارش‌های عمومی شرکت G44- شفافیت مالکیت سهام G45- شفافیت سازمانی G46- شفافیت در خدمات مالی به موقع
۵- تصمیم‌گیری در مدل حاکمیت شرکتی اسلامی	G51- مجامع صاحبان سهام G52- هیئت‌مدیره G53- نمایندگان ذینفعان G54- نظارت شبکه‌ای ذینفعان
۶- نظارت اسلامی	G61- هیئت شریعت G62- حسابرسی شرعی G63- نظارت شرعی

1. $Kappa = (P_0 - P_e) / (1 - P_e)$

بنابراین با توجه به نگاره (۲) مدل مفهومی ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی را می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود:



شکل (۳): مدل مفهومی ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی یافتن پاسخی به سوال «ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی کدامند؟» است که پژوهشگر با استفاده از روش فراترکیب و بررسی ۴۲ منبع معتبر که براساس مقیاس روبریک به تأیید خبرگان ۲۵ نفره نیز رسیده، بصورتی دقیق و نظام‌مند عوامل و مؤلفه‌ها (ابعاد) حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی را شناسایی نموده و در ۶ گروه اصلی و ۳۵ گروه فرعی دسته‌بندی کرده است که گروه‌های اصلی عبارتند از: ۱- اصول اخلاقی ۲- تعهد اجتماعی ۳- پاسخگویی ۴- شفافیت ۵- تصمیم‌گیری و ۶- نظارت اسلامی. اولین بعدی که در پژوهش بیشترین مؤلفه را به خود اختصاص داده، بعد رعایت اصول اخلاقی توسط شرکت‌ها است که خود مشتمل بر: ۱- امانت‌داری (امانت‌داری در معاملات) ۲- صداقت (راستگویی، عدم تبانی، عدم تقلب و وفای به عهد) ۳- عدالت (بی‌طرفی، اعتدال، عدالت در تسهیم ریسک و بازده و عدالت در روابط با سهامداران، رفتار افقی) ۴- انصاف (رعایت صرفه‌ذینفعان، اخلاق فراگیر) است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مومنون، آیه ۸). از این رو می‌توان امانت‌داری و صداقت در آنرا از اصول بنیادی حاکمیت شرکتی به حساب آورد و صداقت یکی از بارزترین شاخص‌های اخلاقی در فضای کسب و کار اسلامی است که آنرا می‌توان به اطلاعات متقارن تشبیه کرد (نصراللهی و شفیعی، ۱۳۹۵). خداوند می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِيْ مَدْخَلَ صِدْقٍ وَّ اَخْرِجْنِيْ مَخْرَجَ صِدْقٍ...». «مَدْخَلَ صِدْقٍ» یعنی در هر کاری که وارد می‌شود ورودش صادقانه باشد (اسراء، ۸۰). صداقت در شرکت‌های اسلامی منجر به عدالت می‌شود. خداوند می‌فرماید: «قُلْ اَمْرٌ رَبِّيْ بِالْقِسْطِ»؛

بگو پروردگارم مرا به قسط و عدالت امر نمود» (اعراف/۲۹). برابری و مساوات و بطور کلی داشتن رفتاری برابر با ذینفعان (رفتار افقی) در بهره‌برداری از امکانات موجود از ابعاد عدالت اجتماعی و رعایت حقوق اقتصادی ذینفعان در حوزه رفتارهای اقتصادی از ابعاد عدالت اقتصادی است که شرکت‌های اسلامی موظف به رعایت توأمان آن‌ها هستند.

دومین بعد به تعهد اجتماعی می‌پردازد که به مؤلفه‌های فرعی مسئولیت اجتماعی و عدم تضییع حقوق کلیه ذینفعان و نیز اعتماد اجتماعی تفکیک می‌گردد. از عنوان مسئولیت اجتماعی به سلسله اقداماتی فراتر از منافع شرکت و در جهت افزایش کیفیت رفاه اجتماع و ذینفعان یاد می‌شود. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ» (فهرست غرر، ص ۷۷). بنابراین ضایع نمودن حقوق دیگران و مقدم دانستن آن بر حقوق فردی، موجبات اعتماد اجتماعی را فراهم و پایداری تعهد اجتماعی در شرکت‌های اسلامی را بیشتر می‌نماید.

بعد سوم به پاسخگویی شرکت‌ها و سازمان‌ها در قالب سه بحث پاسخگویی در برابر خداوند، پاسخگویی در برابر کلیه ذینفعان و دیدگاه مکتبی در پاسخگویی می‌پردازد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ - سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد» (تکواثر/ ۸). بنابراین آنچه در اسلام بیشتر مدنظر قرار دارد موضوع پاسخگویی وسیع در برابر ذینفعان با یک دیدگاه مکتبی است و در وهله اول پاسخگویی در برابر خداوند مطرح است (رستمی و دیگران، ۱۳۹۵). حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «کلکم راعٍ، وَ كَلِمَةُ مَسْئُولٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸). با این مفهوم که عنصر اساسی حاکمیت شرکتی در این بخش را می‌توان پاسخگویی در اقسام یاد شده آن دانست.

بعد چهارم به شفافیت می‌پردازد که مشتمل است بر مؤلفه‌های: (۱) شفافیت در گزارش‌های مالی (۲) شفافیت در گزارش‌های مدیریت (۳) شفافیت در گزارش‌های عمومی شرکت (۴) شفافیت مالکیت سهام (۵) شفافیت سازمانی (۶) شفافیت در خدمات مالی به موقع. شفافیت در کنار بسیاری از مفاهیم که در دوران مدرن رواج و توسعه یافتند در ادبیات دینی وجود داشته است. آیه «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (سوره بقره، آیه ۴۲)، به نوعی به مسئله شفافیت اشاره دارد زیرا نپوشاندن حق همان اشاره به شفافیت دارد. اسلام به اصل شفافیت تأکید و آنرا به عنوان ابزاری برای توسعه جامعه ضروری می‌داند (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵).

بعد پنجم به تصمیم‌گیری شرکت‌ها با توجه به مؤلفه‌های (۱) مجامع صاحبان سهام (۲) هیئت-مدیره (۳) نمایندگان ذینفعان (۴) نظارت شبکه ای ذینفعان می‌پردازد و به این دلیل مدیران در

روابط با خود و دیگران، خود را تحت نظارت مدیری عالم، قادر، عادل و حکیم می‌بینند، که قرآن می‌فرماید: *ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ*. (یونس / ۱۴). درگیرسازی ذینفعان، با مشارکت اثربخش در مجامع شرکت و حاکمیت شبکه‌ای از افراد با دانش و ذینفع و نیز نظارت مؤثر آنها در تصمیم‌گیری‌های کلیدی و همچنین پردازش و تصمیم‌گیری اطلاعاتی در سطح هیئت‌مدیره با استفاده از چندین ذینفع باعث نظارتی چندلایه و شبکه‌ای می‌شود.

بعد ششم از ابعاد حاکمیت شرکتهای در پارادایم اسلامی، به مبحث نظارت اسلامی بر شرکت‌ها می‌پردازد که خاص کشورهای اسلامی است. سه مؤلفه: (۱) هیئت شریعت (۲) حسابرسی شرعی و (۳) نظارت شرعی.

خداوند در قرآن در مورد امت‌های مختلف می‌فرماید: *لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمَنْهَاجًا*، برای هر یک از شما شرع و راهی قرار دادیم» (مائده / ۴۸). وظیفه هیئت شریعت رسیدن به مقاصد شریعت است بنابراین در سیستم تجارت اسلامی باید با قوانین اخلاقی شریعت پی‌ریزی شود (ابوتپانجه، ۲۰۰۷). بنابراین در زمینه شریعت، هیئت شریعت ورود پیدا می‌کند (حسن، ۲۰۰۹). از این‌رو در سازمان‌های اسلامی حضور هیئت نظارت شرعی به ترسیم تصویر صحیح روابط اسلامی کمک می‌کند (النصر و محمد، ۲۰۱۷).

در زمینه اسلامی کردن علوم باید از هرگونه افراط و تفریط دوری جست ایده‌ی اسلامی کردن علوم در نتیجه آشتی دادن علم با دین و علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، به ناچار اسلامی و دینی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶). ارزش‌ها در جوامع اسلامی، اهداف و جهان‌بینی متفاوت از جوامع شرقی و غربی است. از این رو آنچه در اسلام بیشتر مدنظر قرار دارد موضوع پاسخ‌گویی وسیع در برابر ذینفعان با یک دیدگاه مکتبی است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵). از دیگر سو نظارت بر فعالیت‌های مالی و اقتصادی در جهت حلال نیز در اسلام همواره مورد توجه بوده همانند: ربا، قمار، معاملات حرام و ... که در حاکمیت شرکت مرسوم (انگلساکسونی و اروپایی) به آن بی‌توجهی شده است. الگوی حاکمیت شرکتهای انگلساکسونی و یا قاره‌ای بر اساس فلسفه اقتصادی پایه‌گذاری شده و شامل فردگرایی، انتفاع شخصی بدون توجه به وضعیت دیگران، و حداکثرسازی سود است. اما در جهان‌بینی اسلامی در خصوص خدمات مالی، هدف غایی حاکمیت شرکتهای در اسلام نه تنها کسب اطمینان از بی‌طرفی در برابر سهامداران است، بلکه گستره ذینفعان را نیز برای رسیدن

به شفافیت اطلاعاتی و پاسخگویی بیشتر، رعایت اصول اخلاقی همچون انصاف و عدالت و رسیدن به سود منطقی با توجه به وضعیت دیگران شامل می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قوانین و مبانی اسلامی برای حاکمیت شرکتی راهنمایی‌هایی بیشتر و کامل‌تری را معرفی می‌کند و همچنین تکالیف و روش‌های موجود را در مورد شیوه‌های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان بصورتی کامل پوشش می‌دهد. از این جهت جهت استقرار نظام حاکمیت شرکتی پیشرفته اسلامی نیازمند تعریف مفاهیم نظری حاکمیت شرکتی با رویکرد اسلام محور است که توانایی جهت‌دهی به شرکت‌ها و تعیین استراتژی و خط‌مشی را داشته باشد. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش موارد زیر برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود:

۱. انجام مطالعات در خصوص استاندارد‌گذاری در زمینه امور مالی و حسابداری و نیز حسابرسی بر اساس مبانی اسلامی
۲. ایجاد هیئت نظارت شرعی در جهت تطابق رفتار شرکت‌ها با اصول و مبانی اسلامی
۳. بررسی چگونگی ایجاد زیرساخت‌های حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها بر مبنای اصول حاکمیت شرکتی اسلامی
۴. بررسی چگونگی جلب اعتماد عمومی جامعه اسلامی نسبت به رعایت الزامات حاکمیت شرکتی با محوریت قوانین اسلامی و نظارت و حسابرسی شرعی.

منابع

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم، نشر اسراء.
- حساس یگانه، یحیی (۱۳۹۵). تأثیر ساز کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶ (۲)، صص ۲۳-۴۵. doi: 10.22051/jera.2016.2289
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). مبانی نظری حاکمیت شرکتی. ماهنامه حسابداری، انجمن حسابداران خبره/ایران، شماره ۱۶۸.
- خزایی، مهدی؛ زلّقی، حسن؛ افلاطونی، عباس. (۱۴۰۰). نقش تعدیل‌گر ساختار مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۱(۱). doi: 10.22051/JERA.2018.19475.1968
- رستمی، وهاب؛ آراد، حامد؛ عبدالله زاده، سلام؛ برشد، عبدالحسین. (۱۳۹۵). انواع پارادایم‌های راهبری شرکتی. فصلنامه حسابداری رسمی، صص ۸۱-۸۸.
- سرلک، نرگس؛ حیدری، زهره؛ فتحی، سمیه؛ آهنگری، مهناز. (۱۳۹۹). رابطه ویژگی‌های هیئت‌مدیره و ارزش شرکت در شرایط تحریم اقتصادی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۰ (۲)، doi: 10.22051/jera.2019.23379.2266
- صادقی‌پور، علی؛ فراهانی‌فرد، سعید؛ غلامی‌جمکرانی، رضا. (۱۳۹۶). مدل مفهومی سرمایه‌گذاری پاک با تأکید بر راهبری شرکتی با رویکرد اسلامی. تحقیقات مالی اسلامی، ۷ (۱)، ۱۹۱-۲۱۸. doi: 10.30497/ifr.2017.2131
- صراف، فاطمه؛ محمدی، مهسا. (۱۳۹۶). بررسی حاکمیت شرکتی و پاسخگویی با تأکید بر آیات قرآن. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۶ (۲۱)، ۶۶-۸۵.
- طاهری، محسن؛ ارسطا، محمد جواد؛ ملک‌افضلی، محسن. (۱۳۹۸). مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اندیشه سیاسی اسلام. تهران، مجله سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۴، ص ۸۱.
- فهرست غرر الحکم، ص ۷۷، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۶، <http://noo.rs/Nf>.
- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۹۸). بهار الانوار. اصفهان، مرکز نشر تحقیقات رایانه‌ای.
- مشایخی، بیتا؛ جلالی، فرزانه. (۱۳۹۱). ارزش‌های فرهنگی و حاکمیت شرکتی. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۱۴، ص ۵۱-۶۶.
- مشایخی، بیتا؛ شاکری، مهین. (۱۳۹۵). راهبری شرکتی: مفاهیم و موردکاوی. تهران، انتشارات بورس.
- نجفی سیاهرودی، مهدی؛ علوی، سید مسلم؛ مومن زاده، محمد هادی. (۱۳۹۲). مجامع عمومی راهنمای برگزاری و تصمیم‌گیری. - انتشارات گندمان.

- نصراللهی، زهرا؛ شفیعی، علی. (۱۳۹۵). اثر صداقت در بازارهای مالی بر متغیرهای اقتصادی. تهران، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۱۶، شماره ۶۱، صص ۳۳-۶۴.
- همت فر، محمود؛ اصلانی، محمد؛ لطفعلیان، فاطمه/ (۱۳۹۱). الگوی حاکمیت شرکتی اسلامی. فصلنامه حسابرس، شماره ۵۹، صص ۱۶۶-۱۲۴.
- Abu-Tapanjeh.A.M.(2009). Corporate governance from the Islamic perspective: A comparative analysis with OECD principles. *Critical Perspectives on Accounting* 20 (2009) 556-567.
- Ali Y., Khan A.(2021). Shari'ah Governance: A Solution to Corporate Governance Problem. In: Kaur H. (eds) *Facets of Corporate Governance and Corporate Social Responsibility in India*.
- Cadbury Code, the.(December 1992) Report of the committee on Financial Aspects of Corporate Governance. the Code of best Practice, Gee Professional Publishing, London . DOI: 10.1016/j.cpa.2007.12.004.
- Hasan, Z.(2009). Corporate Governance : Western and Islamic Perspectives, *International Review of Business Research Papers* Vol.5 No. 1 January 2009 Pp. 277-293.
- Hasas Yeganeh, Y.(2005). Theoretical foundations of corporate governance. *Accounting Journal, Iranian Association of Certified Public Accountants*. N 168.(in persian)
- Hasas Yeganeh, Y.(2016). The Impact of Corporate Governance Mechanisms on Audit Quality and Real Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*, 6(2), 23-45. doi: 10.22051/jera.2016.2289. (in persian).
- Hemmatfar, M. Aslani, M. Lotfalian, F.,(2012). Islamic corporate governance model. *Journal Auditor Quarterly*.V59. pp124-166. (in persian). https://doi.org/10.1007/978-981-33-4076-3_8
- Javadi Amoli, A.,(2007). The status of reason in the geometry of religious knowledge. *Qom. publish Isra*.(in persian)
- Jeremy Rose, Leif Skiftenes Flak, Oystein Sabo.(2018). Stakeholder theory for the E-government context' *Government Information Quarterly*'35' pp362-374.
- Khazaei, M., Zalaghi, H., Aflatooni, A.(2021). Moderating Effect of Ownership Structure on the Relation between Financial Statement Comparability and Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*, 11(1), 1-22. doi: 10.22051/jera.2018.19475.1968.
- Mansour. Walid, and M. Ishaq Bhatti.(2018). The new paradigm of Islamic corporate governance., <https://doi.org/10.1108/MF-01-2018-0043>.
- Mashayekhi, B., Jalali, F.(2012). Cultural Values and Corporate Governance. *Journal of Financial Accounting Research*, 4(4), 51-66. (in persian)
- Mashayekhi, B and Shakeri, M.,(2016). Corporate governance. *Concepts and case study, Stock Publications*.(in persian)
- Mishra, A.K., Jain, S. & Manogna, R.L.(2021). Does corporate governance characteristics influence firm performance in India?. *Empirical evidence using dynamic panel data analysis. Int J Discl Gov* 18, 71–82. <https://doi.org/10.1057/s41310-020-00098-7>.

- Mostepaniuk, A. (2017). Corporate Governance, Girne American University, Turkish Republic of Northern Cyprus, Kyrenia, Cyprus. <http://dx.doi.org/10.5772/intechopen.69704>.
- Muhammad T. Khan and Qadri M and Al-Jabri. (2021). Dynamic relationship between corporate board structure and firm performance: Evidence from Malaysia. *International Journal Of Financial Economic*, Volume 26, Issue 1 January 2021, Pages 644-661.
- Mukhlisin, M. and Nofianti, L. (2019). The Role of Good Corporate Governance and Accounting in Islamic Financial Institutions. Azid, T., Alnodel, A. and Qureshi, M. (Ed.) *Research in Corporate and Shari'ah Governance in the Muslim World: Theory and Practice*, Emerald Publishing Limited, pp. 115-126.
- OECD PUBLICATIONS, 2, rue André-Pascal, 75775 PARIS CEDEX 16 PRINTED IN FRANCE (2004) ISBN 92-64-01597-3 – No. 53533 2004.
- Ozili, P.K. (2021). Corporate governance research in Nigeria: a review. *SN Bus Econ* 1, 17 (2021).
- Rostami, V., Arad, H., Abdallahzadeh, S., Barshed, A.A. (2016). Types of corporate governance paradigms. *Journal of Iranian Association of Certified Public Accountants*, pp 81-88. (in persian)
- Sadeghipour, A., Farahani Farhad, S., Golami Jamkarani, R. (2017). The Conceptual Model of Clean (Pak) Investment, with Emphasis on the Corporate Governance in an Islamic Approach. *Islamic Finance Research Bi-quarterly Journal*, 7(13), 191-218. doi: 10.30497/ifr.2017.2131.
- Sandelowski, M. and Barros, J. (2007). Handbook for Synthesizing Qualitative Research. *Springer publishing company Inc*
- Saraf, F., Mohammadi, M. (2017). Investigating Corporate Governance And Accountability Based On Quranic Verses. *Accounting and Auditing Studies*, 6(21), 66-85. (in persian)
- Sarlak, N., heydari, Z., fathi, S., ahangary, M. (2020). The Board Characteristics and Firm Value under Economic Sanctions. *Empirical Research in Accounting*, 10(2), 1-22. doi: 10.22051/jera.2019.23379.2266 (In Persian).
- Sulaiman Abdullah Saif Alnasser, Jorah Muhammed. (2012). Introduction to corporate governance from Islamic perspective. *Humanomics*, Vol. 28 Issue: 3, pp. 220-231, <https://doi.org/10.1108/08288661211258110>.
- Thompson, E.K. and Adasi Manu, S. (2021). The impact of board composition on the dividend policy of US firms. *Corporate Governance*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/CG-05-2020-0182>.